

مؤسسه فرهنگی مذهبی «بیت‌الصادق مکتب جعفری»
نگین درخشان محله نوغان

این خانه آباد است

خوش سابقه بودن این مکان و احترام اهالی محله به آن و بانیانش فقط به علت برگزاری مراسم مناسبتی نیست زیرا سال‌ها پیش از ساخت بیت‌الصادق، در جایی دیگر در همین محدوده منطقه ثامن، مؤسسه خیریه‌ای به نام مکتب جعفری راه انداخته‌اند و تحت لوای آن، کودکان یتیم بی‌بضاعت و خانواده‌آن‌ها را حمایت می‌کنند. الان هم تعداد این افراد، که برخی از آن‌ها وارد دانشگاه شده‌اند و نخبه محسوب می‌شوند، حدود ۶۰۰ نفر است.

در یکی از نخستین روزهای زمستان، میهمان سید جعفر کشمیری، بنیان‌گذار شصت‌وهفت‌ساله این مؤسسه فرهنگی و مذهبی شدیم تا از دیروز و امروز این خانه، که مزین به نام امام جعفر صادق (ع) است برایمان بگوید.

انسیه شهرکی - بیت‌الصادق مکتب جعفری هم‌زیاست، هم‌دیدنی. در ماجرای یک محله‌گردی در نوغان، به خانه‌ای قدیمی در کوچه طبرسی ۱۶ رسیدیم که مثل نگینی بر حلقه این محله می‌درخشید، خانه‌ای که پیش‌سینه فعالیت فرهنگی و مذهبی‌اش به گفته اهالی محله حدود چهار دهه است.

اینجا محل عزاداری است و هم‌مکان مقدسی که به سبب سابقه‌اش، حرمت و تقدس یافته است. چه بزرگانی که در این حسینیه آمده و رفته‌اند از منبری‌های معظم گرفته تا مباحثان و افراد بنامی چون آیت‌... صدیقی، امام جمعه موقت تهران، حجت‌الاسلام راشد یزدی و شهید آستانه‌پرست، که این یکی، خود، از بانیان برپایی این بناست.

خانه استاد یحیی بش‌زن، که دوست‌داشت پسرش در کوچه باشد، قایم‌باشک بازی می‌کردیم. ناگهان چشم به تابلویی افتاد که روی زغال‌های کرسی کنار دیوار بود. روی تابلو نوشته بود «کودکان امام جعفر صادق (ع)». از استاد خواستم تابلو را به من بدهد. او هم تابلو را به من هدیه داد. از آن به بعد، هر هفته خانه‌یکی از بچه‌ها هم جزء می‌خواندیم. محرم و صفر و شهادت‌ها سینه‌زنی هم داشتیم.



حمایت به واسطه «دایی‌ها»

سید جعفر بزرگ می‌شود و اعضای گروه بیست‌نفره‌اش نیز قد می‌کشند. جلسه عم‌جزء خوانی‌اش به جلسه قرآن‌خوانی و پاتوق مبارزان انقلابی مبدل می‌شود. تهدیدهای ساواکی‌ها هم ذره‌ای بر فعالیت‌هایش اثر منفی نمی‌گذارد و او و دوستانش به سبک و سیاق قدیم، هم جلسه قرآن برگزار می‌کنند و هم محفل دعای ندبه و سخنرانی به جلسه‌شان اضافه می‌کنند. این محفل زمان جنگ تحمیلی هم رنگ و بوی جبهه می‌گیرد و او می‌کوشد برای پشتیبانی مسائل جنگ، به بازماندگان شهدا و یتیمان‌شان توجه کند: سال ۱۳۵۹ تصمیم گرفتیم برای یتیمان بی‌بضاعت و فرزندان شهدا پرورشگاهی راه‌اندازی کنیم که آن‌ها را تحت پوشش خود قرار دهیم. به استانداری وقت و سازمان‌های دیگر نامه‌نوشتیم که کمکمان کنند اما دریغ از کوچک‌ترین کمک.

دعای ندبه و جلسه قرآن پنجشنبه‌شب‌های کشمیری هنوز برقرار بود اما تصور یتیمان شهدا و بی‌بضاعت‌های خردسال یک لحظه از مقابل دیدگان کشمیری جوان محو نمی‌شد. سرانجام، او، خود، آستین همت را بالا می‌زند تا از این یتیمان دست‌گیری کند: سال ۵۹ مؤسسه خیریه مکتب جعفری را راه‌انداختم. ابتدای کار هم ۱۰ یتیم بی‌بضاعت را تحت پوشش گرفتیم. حمایت‌های مادی و معنوی هم از اعضای گروه و دوروبری‌های خودم دریافت می‌کردم. افرادی

میان‌های کوچه قدیمی و باریک طبرسی ۱۶ در کوچکی قرار دارد که تابلوی قدیمی «بیت‌الصادق» سردر خانه خیلی زود هویتش را فاش می‌کند.

سید جعفر کشمیری با شال و کلاه سبز مقابل در ایستاده است. ظاهر قدیمی و کوچک و ورودی این مکان با آنچه دقایقی بعد کشمیری نشانمان می‌دهد زمین تا آسمان متفاوت است. دالان و حیاط کوچک که در گوشه‌ای از آن، خانه خادم است. روی دیوار سمت چپ سردخانه دیواری تعبیه شده است. کنار سردخانه راه‌پله‌های باریکی دیده می‌شود که حیاط را به طبقه فوقانی متصل می‌کند. اتاق‌های طبقه بالا برای کار فرهنگی در نظر گرفته شده است و دفتر اعضای هیئت‌مدیره و مکان تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی اعضا برای مراسم و برنامه‌های گوناگون است.

مقابل این سرا، حیاطی دیگر است که این دو محوطه را از طریق دالان باریکی به هم متصل می‌کند. این حیاط دوم قلب‌تپنده بیت‌الصادق است چون در خود چند حسینیه بزرگ جا داده و به گفته مدیرش، فقط در یک مجلس امام حسین (ع) از ۱۲ هزار نفر پذیرایی شده است. حسینیه‌ای که در ورودی‌اش از طرف خیابان اصلی و روبه حرم است و بی‌تردید هرکسی وارد می‌شود ابتدا چشمش به گنبد امام هشتم می‌افتد و از صاحب اصلی مجلس اجازه ورود می‌گیرد. دو دستگاه پذیرایی و آشپزخانه بزرگ و دیگ و پاتیل‌های مسی و اجاق‌های متعدد هم در آشپزخانه‌ای است که در گوشه‌ای از حیاط دوم خانه قرار دارد. به غیر از این موارد، بخشی هم وضوخانه و محل نظافت مجرای آب‌ها و آفایان قرار داده‌اند تا این مجموعه همه چیز تمام باشد.

اما این همه بخش‌های این سرای ماندگار نیست. کشمیری معرفی بخش‌های دیگر را به بعد از توضیحاتش درباره نحوه شکل‌گیری بیت‌الصادق موکول می‌کند. او برای اینکه ریشه اصلی شکل‌گیری این بنا را کالبدشکافی کند، نقی می‌زند به دوران کودکی خودش، وقتی هشت ساله بوده و با هم‌سن‌وسالانش در خانه استاد یحیی بش‌زن بازی می‌کرده است: با بچه محل‌های نوغان و قبر میر در